

عوامل مؤثر بر روند تحول مسکن روستایی در شهرستان ممسنی (نمونه موردی: روستای چمگل)

علی شمس‌الدینی*، مرتضی حیدری**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۱۰

چکیده

کانون‌های روستایی در قامت اولین صورت از اجتماعات انسان‌های یکجانشین در طی تاریخ و به ویژه از آغاز جنبش مدرنیسم به این سو، فرایندهای تحول و تکامل بسیاری را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و کارکردی خویش تجربه نموده‌اند. یکی از مهم‌ترین اینگونه تغییرات، دگرگونی در سیما و کالبد فیزیکی روستاها می‌باشد؛ که متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان و نیز در راستای نحوه‌ی گذران معیشت و ساختار فرهنگی روستاییان تحول و توسعه عمده‌ای را پذیرا گشته است. در کشور ما به دنبال انجام دگرگونی‌های وسیع اجتماعی در دهه چهل و بعد از آن با انقلاب اسلامی ۵۷ و به تبعیت از آن رسوخ شیوه زندگی شهری به نواحی روستایی شاهد تغییرات وسیع در فضای کالبدی و نوع معماری روستاها بوده‌ایم. در این تحقیق که به شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تاریخ نگاری انجام گرفته است، تلاش است، با انجام مطالعات وسیع میدانی و کتابخانه‌ای به بررسی و شناخت نوع معماری مسکن و روند تحولات کالبدی نواحی روستایی شهرستان ممسنی با موردشناسی روستای چمگل از آغاز برپایی این روستا تاکنون بپردازد. نتایج تحقیق بیانگر این مطلب می‌باشد که روستای مورد مطالعه تحت تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی و نیز متناسب با دوره‌های زمانی، نوع خاصی از شیوه‌ی معماری در زمینه ساخت مسکن را تجربه نموده است. در این راستا تحول در شیوه معیشت روستاییان به ویژه افزایش درآمد و قدرت خرید خانوارهای روستایی، افزایش ارتباط روستاییان با شهرهای همجوار و بالأخص ارائه وام نوسازی مسکن از سوی بنیاد مسکن نقش برجسته‌ای را در تحول مسکن روستای چمگل ایفا نموده‌اند.

واژگان کلیدی

روستا، مسکن روستایی، تحولات مسکن، روستای چمگل، ممسنی.

مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی بعنوان پدیده‌های جغرافیایی، نمود فضایی و عینی عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که در بستر طبیعت و در چارچوب مناسبات انسان و محیط در گذر زمان شکل گرفته‌اند. این واحدهای سکونتگاهی در ایران به تبعیت از تنوع منطقه‌ای محیط طبیعی - اکولوژیک از یکسو و درجه تأثیرگذاری متفاوت نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو، به نحوی متنوع و با تفاوت‌های ناحیه‌ای برپا شده و در گذر زمان شکل امروزی خود را یافته‌اند. به عبارتی «روستا مأمن تجارب یکپارچگی تاریخ حیات بشری در محیطی است که زندگی در آن جریان دارد، و در آن؛ جریان زندگی در تعادل بین انسان و طبیعت در حال گذار است» (علی‌الحسابی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). این کانون‌های سکونتگاهی به عنوان پدیده‌ای انسان‌ساخت، به طور تدریجی و طی سالیان متمادی بدون دخالت دولت‌ها شکل گرفته و حاصل برآیند نیروهای بسیار و انبوهی از لایه‌ها از جمله هم‌نشینی طبیعت و معیشت روستایی هستند (حبیب و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۲). از آغاز سده اخیر و با تلاش برنامه‌ریزان و سیاستمداران در راستای توسعه و پیشرفت کشور، روستاها نیز از اینگونه تحولات در جهت نوسازی مصون نبودند. یکی از مهم‌ترین اینگونه تغییرات، دگرگونی در سیما و کالبد فیزیکی روستاها می‌باشد؛ که متناسب با شرایط و مقتضیات محیطی و نیز در راستای نحوه‌ی گذران معیشت روستاییان تحول عمده‌ای را پذیرا گشته است. بنحوی که روستاهای کشور در طی تاریخ دیرینه‌ی خود «شاهد توسعه تدریجی از طریق ساخت و ساز روستائیان با معماری ارگانیک بوده‌اند و دیر زمانی بعد از آن و پس از آشنایی و سپس وابستگی آنان به شهرها، معماری ترکیبی و نهایتاً معماری شهری به روستاها راه یافته است» (بدری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). از این‌رو معماری بومی روستاهای ایران در طی دوران مختلف تاریخی دچار تغییرات جزئی و کلی شده است.

در این میان یکی از عناصر مهم در فضای کالبدی روستاها مقوله‌ی مسکن می‌باشد؛ که به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط طبیعی و فرهنگی پیرامون خویش است. که طی سالیان متمادی بر حسب شرایط زمانی - مکانی در هر منطقه شکل گرفته و به نوعی نشان دهنده‌ی نوع فعالیت‌ها در ابعاد اقتصادی، نگرش اجتماعی روستائیان، چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و سطح معیشت ساکنان آن منطقه می‌باشد. شکل خانه‌های روستایی در گذشته از یک سو تابع مقتضیات محیطی و مصالحی بود که طبیعت در دسترس مردم آن منطقه می‌گذاشت، و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده‌ها ارتباط فراوان داشت. در نیم قرن گذشته با انجام اصلاحات ارضی و لغو نظام ارباب - رعیتی و همچنین پیروزی انقلاب اسلامی که با تلاش در راستای عدالت‌طلبی و رفع محرومیت از چهره‌ی روستاها همراه بود، شاهد تحولات عمده‌ای در سیما و فضای روستاهای کشور بوده‌ایم. در این میان بیشترین تغییرات متوجه عرصه‌ی کالبدی به ویژه شکل و نوع معماری مسکونی درون روستاها می‌باشد. (جدول ۱). به گونه‌ای که از زمان برپایی روستاها در کشور تا سال ۱۳۴۱ روستائیان به طور خودجوش، به شیوه مشارکتی، بدون برنامه‌ریزی و حمایت نهادهای دولتی و با بهره‌گیری از مصالح محیطی در دسترس اقدام به ساخت منزل مسکونی خود می‌نمودند، اما در دهه‌های اخیر با رسوخ فرهنگ نوسازی و ورود جریان صنعتی شدن به درون کشور و نیز تلاش دولت‌ها در جهت ساماندهی و توسعه‌ی عرصه‌های شهری و روستایی کشور با برنامه‌های از قبل تدوین شده، در شیوه‌ی ساخت و ساز مسکن روستایی تحول فراوانی به وجود آمده است.

جدول ۱- روند تحولات مسکن روستایی کشور در طی دوره‌های زمانی متفاوت (منبع: بیتی، ۱۳۹۱: ۱۱۹)

نوع برنامه	دوره زمانی	نحوه طراحی	معماری
توسعه مسکن روستایی	شکل‌گیری روستا تا اصلاحات ارضی	بدون معمار	ارگانیک
بدون برنامه ریزی	از اصلاحات ارضی تا برنامه اول توسعه	بدون معمار	التقاطی
توسعه مسکن روستایی	از برنامه اول تا برنامه چهارم توسعه (طرح بهسازی مسکن روستایی)	اغلب بدون معمار و گاهاً توسط معمار شهری	التقاطی و شهری
با برنامه‌ریزی	در طول برنامه چهارم توسعه (طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی)	توسط معمار شهری	شهری

در این راستا اهمیت بازشناسی معماری بومی و شناخت روند شکل‌گیری آن ضروری به نظر می‌رسد. معماری به طور ناخودآگاه به ارائه روند شکل‌گیری و گسترش خود ادامه می‌دهد، و لذا در صورتی که عوامل مؤثر بر گذشته‌ی آن را بشناسیم؛ می‌توانیم آن عوامل را در روند رو به جلوی آن تأثیر داده و بدین صورت طرح نهایی می‌تواند همگام با مدرنیسم ولی بر پایه سنت و فرهنگ گذشته ارائه گردد. در

زمینه شناخت معماری روستاهای ایران و چگونگی روند توسعه و تحول اینگونه بناها، عوامل مختلفی باعث پیدایش نوع خاصی از معماری فضای زندگی و کالبد محیط پیرامون روستاها گردیده است. به عبارتی «تنوع الگوهای مسکن و معماری برآیند نیازمندی‌ها، خواسته‌ها و تمایلات ساکنین روستاها بوده که با هماهنگی و استفاده از عوامل طبیعی و درهم تنیدگی پدیده‌های تاریخی، جغرافیایی، فلسفی، دینی، هنری و زیباشناسی در یک بستر تاریخی به وجود آمده است» (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۷). از این رو لازم است شناخت کافی از روندهای مرتبط با ساخت و تحول اینگونه بناها در گذر تاریخ داشته باشیم، تا بتوان ضمن بهره‌گرفتن از سنت معماری بومی روستاییان منطقه؛ هماهنگ با دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی پدید آمده در جامعه به ایجاد و طرح مسکن روستایی متناسب با نیاز روزمره و خواست روستاییان دست بیابیم.

در این پژوهش که با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است، تلاش شده با مرور بر اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی ضمن بررسی دوره‌های زمانی به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر روند تغییر و تحول معماری بومی و به ویژه اشکال مسکن روستای چمگل از توابع بخش مرکزی شهرستان ممسنی پرداخته شود. به عبارتی تحقیق حاضر ضمن واکاوی‌های تاریخی از روند شکل‌گیری معماری بومی و مدرن روستا درصدد شناخت عوامل اثرگذار بر گسترش و توسعه معماری مسکن روستای مورد مطالعه در گذر زمان می‌باشد. بدین منظور سؤال‌ها و فرضیات زیر مطرح می‌شود:

- فرایند معماری مسکن روستای چمگل از زمان برپایی تاکنون به چه صورت بوده است؟
- کدام یک از عوامل بیشترین تأثیر را در تحول و توسعه مسکن روستایی چمگل ایفا نموده‌اند؟
- معماری روستای چمگل با توجه به شرایط تاریخی روستا از شکل بومی به شکل نوساز تغییر یافته است.
- تغییر در وضعیت اقتصاد معیشتی روستا به ویژه افزایش قدرت اقتصادی خانوارهای روستایی در گذر زمان بیشترین تأثیر را در تحول مسکن روستایی برجای گذاشته است.

ادبیات نظری

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، ۲۱/۴۴ میلیون نفر از جمعیت ۷۵ میلیونی کشور معادل با ۲۸/۵ درصد از جمعیت کل کشور ساکن روستاها هستند. طبق همین آمار از مجموع ۲۱/۸۵ میلیون خانوار ساکن و غیرساکن ایرانی، ۵/۱۷۲ میلیون خانوار روستایی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)، که توجه به ایجاد امکانات و شرایط لازم برای اشتغال، آموزش، بهداشت و ایجاد رفاه و آسایش برای این میزان جمعیت کشور از اهم اقدامات برنامه‌ریزی و تلاش برای توسعه و عمران این نواحی سکونتگاهی به شمار می‌رود. در این بین با توجه به اهمیت روستاها و نقش تعیین‌کننده‌ای که در توسعه اقتصادی و امنیت ملی ایفا می‌نمایند، تأمین مسکن مناسب و برطرف نمودن مشکلات موجود در این زمینه اهمیت خاصی می‌یابد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۶: ۴). روستا یکی از عرصه‌های بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهایی عمومی است که زندگی اجتماعی در آن شکل می‌گیرد و درهم نشینی با خانه که محل سکونت خصوصی است، هویت فردی را معنا می‌بخشد (نورنبرگ شولتز، ۱۳۸۱: ۹). کارکردهای اساسی سکونتگاه‌های روستایی به عنوان کانون‌های زیستی برآوردن نیازهای اساسی زندگی است. مسکن‌گزینی، فعالیت و اشتغال، برقراری ارتباط با دیگران، زندگی جمعی، آموزش و استراحت و آرامش از جمله این نیازهاست (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). برخلاف شهرنشینان، روستائیان انتظار کارکردهای بیشتری از مسکن دارند. برای فرد روستایی مسکن فقط یک استراحتگاه نیست؛ بلکه علاوه بر نقش‌های اجتماعی-فرهنگی، کارگاه، انبار و محل نگهداری دام و ... نیز می‌باشد.

بدین‌منوال مسکن بعنوان کوچک‌ترین عنصر هر سکونتگاه روستایی می‌تواند «یک بادگیر ابتدایی، آلاچیق و یا کلبه ساده باشد، که زاینده مهم‌ترین نیاز انسان‌ها و یکی از پدیده‌های جغرافیایی هر منطقه است» (زرگر، ۱۳۸۶: ۲۶). در این راستا مسکن سالم و پایدار از عوامل مهم در توسعه پایدار روستایی محسوب می‌شود. بنا به دیدگاه لوکوربوزیه، «هر دو وجه نیازهای جسمی و روحی انسان با سازمان دهی فضایی مسکن پاسخ داده می‌شود» (Yagi, 1987: 18). به عبارتی مسکن خوب و مناسب نشانگر رفاه عمومی جامعه است و مسکن بد و نامطلوب منجر به پیامدهای زیانباری از قبیل بیماری‌ها، بی‌بندوباری‌ها، تباهی و فساد جوامع می‌گردد (Rangwala, 1998: 62). بنابراین معماری فضای زندگی و همچنین کالبد محیطی که در آن زندگی می‌کنیم از مواردی است که ساکنان آن منطقه به صورت روزانه از لحاظ بصری و روانی در ارتباط با آن هستند و بی‌تردید جزء لاینفک زندگی و هویت آنان به شمار می‌رود، لذا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد (Gallent, 2009, 207).

از آنجائی که در روستاهای ایران ساختمان مسکونی، خانه‌سازی و ریخت منازل در وحله‌ی نخست متأثر از وضع جغرافیایی یعنی اوضاع بوم‌شناختی منطقه و در وحله دوم این عوامل تولید و امور فرهنگی هستند که در خانه‌سازی و شکل‌بندی فضاهای روستایی اثرگذار می‌باشد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳۰). در گذر زمان روستائیان با بهره‌برداری هوشمندانه از مصالح و منابع طبیعی در دسترس متناسب با شرایط معیشتی در راستای برآوردن نیازمندی‌های سکونتی خود اقدام به ساخت و بنای مسکن نموده‌اند. به عبارت دیگر در روستاها «معماری بومی توسط صاحبان خانه ساخته می‌شود، نیازها و خواسته‌های افراد درک شده و مسکن کاملاً در ارتباط با مسایل صاحب خانه طرح می‌گردید، و نکته حایز اهمیت انطباق شکل بنا با نیارهای فیزیکی و فرهنگی ساکنان روستا بوده است» (عناستانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). در کل؛ معماری سنتی روستایی ایران مجموعه‌ای بسیار متنوع است. این نوع از معماری مجموعه متنوعی از ابنیه و سکونتگاه‌ها را در برمی‌گیرد که سرزمین ایران با توجه به تنوع جغرافیایی، اقلیمی و گوناگونی فرهنگی در هر روستا ریخت ویژه‌ای دارد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۸).

متأسفانه این ساخت و سازها بدلیل مقاومت پایین مصالح و منابع مورد استفاده، عدم رعایت ضوابط فنی بکار گرفته شده در برابر حوات طبیعی (سیل، زلزله، رانش زمین) و نابسامانی در وضع کالبدی و بدنه قدیمی روستاها؛ در گذر تاریخ حادثه‌آفرین بوده و موجبات عقب‌افتادگی سکونتگاه‌های روستایی و محرومیت روستائیان شده است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). پس، روستاها برای اینکه بتوانند همگام با اجرای طرح‌های نوسازی و تحول‌خواهی روستائیان و همچنین در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار کشور به حیات خود ادامه دهند؛ نیازمند تغییر در شکل، بدنه، کالبد و بالأخص نوع ساختمان مسکونی خود می‌باشند (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۷). بنابراین افزایش ارتباط و تعامل روزافزون میان نواحی روستایی با مراکز شهری، تغییر در الگوی سنت و شیوه‌های زندگی، تقلید از ظواهر شهری و بسط ارزشهای نوین فرهنگی، تغییر در نوع مصالح و شیوه‌ی اجرا، الزام به رعایت ضوابط فنی در ساخت و سازها و مهم‌تر از همه نیاز امروزه روستائیان و گسترش ملزومات دنیای مدرن از جمله عواملی است که به تحول و توسعه‌ی خودانگیخته و دستوری ارزشهای کالبدی به ویژه در بخش مسکن روستاها منجر شده است.

با این حال سرعت روند تحولات معاصر در محیط پیرامون به گونه‌ای بوده است که با وجود تمامی ارزش‌های کتمان‌ناپذیر مستتر در معماری سنتی مسکن روستایی، حدود تغییرات تدریجی در بافت و کالبد کهن روستا؛ تقابلی ساختاری- کارکردی را موجب شده است (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲). به گونه‌ای که معماری واحدهای مسکونی جدید روستاهای ایران با الگوهای بومی تفاوت بسیاری دارد و بیش از آنکه روستایی باشد، مشابه الگوهای جدید شهری است (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۲). که این فاصله گرفتن از الگوهای بومی و روی آوردن به الگوهای جدید، روابط فضایی شکل و سازمان فضایی واحدهای مسکونی را دگرگون کرده و باعث ناهماهنگی آن با نیازهای زیستی- معیشتی روستائیان شده است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸: ۱۷-۱۱۶). از این رو داشتن شناختی جامع از روندهای حاکم بر سیر تطور معماری روستایی از گذشته تا کنون و عوامل دخیل در توسعه و تحول مسکن روستاها می‌تواند ما را بیشتر با نیاز جامعه روستایی به منظور طرح و خلق مسکنی که ضمن داشتن شاخص‌های فرهنگی و بومی منطقه با شرایط نوین به ویژه شیوه‌های اقتصاد معیشتی روستائیان نیز سازگار باشد، آشنا سازد.

مواد و روش تحقیق

نوع تحقیق در این مقاله کاربردی و روش بررسی آن مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی با رویکرد تاریخ‌نگاری می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌های مختلف اسنادی، کتابخانه‌ای و به ویژه عملیات وسیع میدانی اعم از مصاحبه، مشاهده، تهیه عکس و برداشت از وضعیت گذشته و موجود استفاده شده است. محدوده زمانی مورد مطالعه از شرایط روستا از سال ۱۳۱۰ شمسی تا ۱۳۹۰ به مدت ۸۰ سال را شامل می‌شود. سعی شده است تا با تکیه بر تجزیه و تحلیل اطلاعات میدانی و تاریخی جمع‌آوری شده به صورت تحلیلی نسبت به شناخت دوره‌های زمانی و عوامل مؤثر بر معماری مسکن روستای چمگل اقدام گردد. محدوده این پژوهش روستای چمگل زیرمجموعه دهستان بکش یک از توابع بخش مرکزی شهرستان ممسنی در شمال‌غربی استان فارس می‌باشد، که در محدوده جغرافیایی ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی و ۲۹ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۴۱ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این روستا در جنوب غربی ناحیه ممسنی و در حاشیه جنوبی رودخانه کتی (از سرشاخه‌های رودخانه زهره) و در ارتفاع ۸۳۰ متر از سطح دریا قرار دارد. متوسط سالانه بارندگی در این دهستان ۶۵۰ میلی‌متر می‌باشد که با نوسانات سالانه بین ۱۰۰۵ میلی‌متر در سالهای ترسالی تا ۳۷۴ میلی‌متر در سالهای خشک توزیع می‌گردد (سازمان آب و هواشناسی فارس، ۱۳۸۹). فاصله روستا تا شهر نورآباد ۱۴ کیلومتر می‌باشد. شغل بیش از ۶۵ درصد از ساکنین این روستا کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن همچون دامداری، باغداری و

زراعت می‌باشد و مابقی دیگر فعالان روستا در بخش‌های خدمات دولتی و تجارت فعال هستند.

یافته‌های تحقیق

هدف از این تحقیق بازشناسی عوامل مؤثر بر روند شکل‌گیری معماری بومی روستای چمگل می‌باشد. لذا بر پایه تحقیقات میدانی دوره‌های زمانی شکل‌گیری معماری بومی روستای چمگل از زمان برپایی (۱۳۱۰) تاکنون به شش دوره تاریخی تقسیم گردید. نسبت به بررسی دقیق هر یک از دوره‌ها با استفاده از فاکتورهای زیر اقدام گردید:

- ۱) محدوده زمانی دوره
- ۲) پلان ساختمان‌های احداث شده
- ۳) مصالح بکار گرفته شده جهت احداث ساختمان
- ۴) عملکردهای مختلف ساختمان‌های احداث شده
- ۵) عوامل مؤثر بر نوع معماری هر دوره

دوره اول) احیاء مجدد روستا

در این دوره که مدت ۱۵ سال (۱۳۱۰ تا ۱۳۲۵ هجری شمسی) به طول انجامید، اولین گروه به تعداد ۱ الی ۲ خانوار در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در روستای چمگل سکنی گزیدند. سایت انتخابی جهت اسکان توسط این خانوارها بر روی تپه‌ای در شمال غربی بافت قدیم روستا واقع شده است. شغل خانوارهایی که در طی مدت این دوره در روستا ساکن شدند کشاورزی و دامداری بوده است. به همین دلیل و همچنین عدم وجود راه‌های ارتباطی و وسایل ماشینی، عمده مصالح استفاده شده جهت برپایی مسکن و سرپناه از نی، چوب درختان بید، شاخه و ساقه و خار درخت کنار بوده است. (تصاویر شماره ۱ و ۲). به دلیل تعداد کم اعضای خانواده معمولاً از نی و چوب درخت بید «کپر» را برای سکونت احداث و برپا می‌کردند که معمولاً اندازه‌ای در حدود ۳ در ۴ متر داشته است و از درخت «رملک» محدوده‌ی حیاط را تعیین می‌کردند. معمولاً احشام در همین حیاط و در نزدیکی کپر درون آغل (محصور شده از خار) نگهداری می‌شده است. دلیل استفاده از مصالح فوق فراوانی وجود این مصالح در محیط پیرامون روستا بوده است. در این دوره جهت تعیین ورودی محوطه زندگی خانوارها و همچنین ورودی به آغل حیوانات و محل نگهداری دام از شبکه‌ای چوبی که در داخل آن از همان مصالح (خارمانند) پر شده بود، استفاده می‌کردند.



تصویر ۱- نمونه‌ای از کپر (مساکن روستایی) رایج در چمگل در دوره اولیه با مصالح بومی (۲۵-۱۳۱۰)

دوره دوم) تثبیت موقیت روستا

در این دوره که مدت ۱۷ سال (۱۳۲۵ تا ۱۳۴۲ هجری شمسی) طول می‌کشد، جمعیت روستا رو به فزونی می‌گذارد، با افزایش جمعیت روستا و به جهت ملاحظات سیاسی درون منطقه ممسنی و نظم‌دهی به وضعیت روستا از طرف خان برای روستا کدخدا منصوب می‌شود که بعد از واگذاری مدیریت روستا به کدخدا سایت و مکان انتخابی روستا در نقطه‌ای پایین‌تر از سایت قبلی انتخاب می‌گردد. این انتخاب به دو دلیل بوده است: الف: سایت جدید از وسعت بیشتری برخوردار بوده است. ب: به دلیل انتخاب سایت قبلی به عنوان خانه کدخدا سایت جدید از نظر تراز ارتفاعی پائین‌تر از خانه کدخدا قرار داشته است؛ که یکی منجر به تسلط کامل کدخدا بر روستا و دیگری تسلط مردان مسلح کدخدا بر بافت روستا جهت مقابله با غارت و شورش یاغیان بوده است. (تصویر شماره ۲).

به مرور زمان با افزایش تعداد خانوارها و به تبع آن افزایش ازدواج بر جمعیت روستا افزوده شده و همین امر دلیل مؤثر بر افزایش مساحت واحدهای احداث شده در این دوره است. عمده مصالح مصرفی جهت احداث واحدهای مسکونی نی، چوب و خشت بوده است. با استفاده از خشت تا تراز تقریبی ۲۰/۱ متر از سطح زمین دیواره‌های اطراف را محصور می‌کردند، سپس چوب‌هایی که نقش ستون داشتند در این دیوار کار گذاشته می‌شدند و چوبی سرتاسری نیز به عنوان تیر وسط (کمر کش) و در جهت طول در ارتفاع ۵/۲ متری از سطح زمین کار می‌گذاشتند. پوشش نهایی نیز از نی‌های بافته شده (تپره) بوده است. ابعاد این تک اتاق‌های مستطیل شکل که به «کومه» مشهور بودند تقریباً ۳/۶ متر بوده است. زمانی که این کومه‌ها جهت چهارپایان استفاده می‌شد، اندازه آنها ۳/۳ متر بوده است و دیوار آنها با خشت نمی‌ساختند و پوشش تپره تا زمین ادامه داشته است و تا ارتفاع حدود ۲۰/۱ متری آنها از سمت داخل و از بیرون با خار می‌پوشاندند، تا چهارپایان نتوانند برگه‌های نی را بخورند. در این دوره افزایش خرد جمعی روستانشینان در تهیه خشت و تلفیق آن با چوب و نی منجر به احداث خانه‌ای بهتر و ایمن‌تر از قبل شده بود. (تصاویر شماره ۳ و ۴).

در این دوره خانوارهایی که قدرت ایجاد مکانی مجزا برای نگهداری از احشام خود را نداشتند از همان فضای ۶ در ۳ محل زندگی خود به عنوان فضای نگهداری حیوانات نیز استفاده می‌کردند. بدین صورت که قسمت ابتدایی فضا به عنوان نشیمن و قسمت انتهایی به عنوان محل نگهداری دام مورد استفاده قرار می‌گرفت. این روش بیشتر برای خانوارهایی که از دام سنگین مثل (گاو) نگهداری می‌کردند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این روش از چیدمان فضایی درون «کومه»، هم از دمای بدن حیوان جهت گرمایش محیط استفاده می‌شد و هم از نظر امنیتی دام از سرقت محفوظ می‌مانده است.



تصویر ۲- نمای کلی از سایت قدیم روستا در دوره دوم، محصور در پایین دست و فضای تحت کنترل (۴۲-۱۳۲۵)



تصویر ۳ و ۴- شکل و نوع مسکن روستایی چمگل در دوره سوم با استفاده از مصالح بومی و روند تحولی آن (۴۲-۱۳۲۵)

دوره سوم) تغییر در شیوه زندگی

این دوره که به مدت ۱۵ سال (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ هجری شمسی) طول می‌کشد، تغییرات اساسی در شیوه زندگی و به تبع آن شیوه ساختمان سازی درون روستا به وجود آمده است و دلیل عمده آن انجام اصلاحات ارضی و سرازیر شدن درآمد ناشی از تولید محصولات کشاورزی به حساب روستائیان بوده است. از این دوره است که ایجاد حیاط‌های محصور و تملک زمین‌های کشاورزی و مسکونی روند رو به رشدی داشته و به همین دلیل شکل پلان خانه‌های این دوره به صورت حیاط‌های مرکزی و چینش ۲ الی ۳ اتاق اطراف این خانه و احداث سرویس بهداشتی در گوشه ای از حیاط بوده است. (تصاویر شماره ۵ و ۶). به دلیل احداث کارخانه گچ ماشینی در جنوب روستا و همچنین وارد شدن ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی به منطقه، احداث خانه‌هایی با مصالح گچ و سنگ رونق فراوانی پیدا می‌کند. ابعاد اتاق‌ها جهت نشیمن ۳ در ۴ متر بوده و برای اولین بار فضاهای جداگانه‌ای با ابعاد ۳ در ۳ متر به آشپزخانه و ۵ در ۳ متر به مهمانخانه اختصاص می‌یابد. سقف این خانه‌ها با چوب پوشش داده می‌شد ولی استفاده از خشت جهت احداث ساختمان همچنان ادامه می‌یابد و از «کومه» و «کپر» صرفاً جهت نگهداری از چهارپایان استفاده می‌شده است. همچنین با ورود استادکارانی از شهرستان کازرون به روستا احداث منازل در دو طبقه و استفاده از طاق و قوس تزئینی جهت منازل اعیانی استفاده متداول گردید. (تصاویر شماره ۷ و ۸). در خانه‌های احداث شده به صورت دو طبقه‌ای چیدمان فضایی بنا به شرح زیر بوده است:

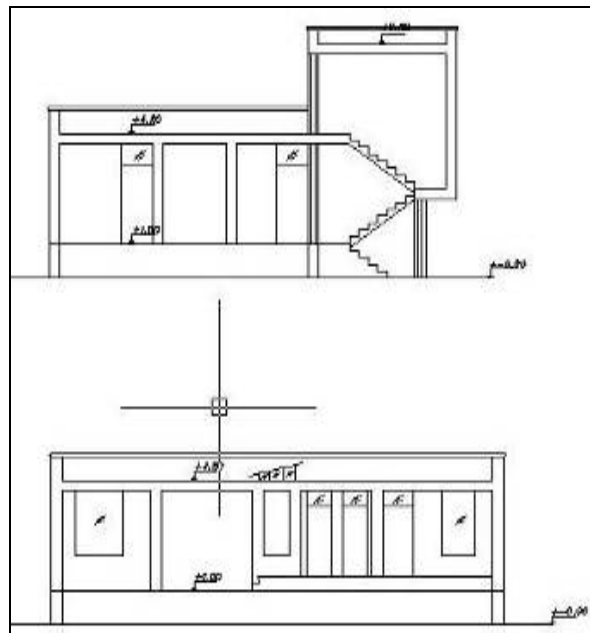
طبقه همکف در قسمت جلویی به مانند طارمه بوده است و در پشت این ایوان یک اتاق نشیمن و در کنار آن یک آشپزخانه در نظر گرفته می‌شد. در کنار فضاهای ذکر شده راه پله‌ای به صورت یک بازو به طبقه بالا ارتباط پیدا می‌کرد که ابتدا به یک لابی ۳ در ۳ وارد می‌شد و سقف ایوان به حیاط طبقه اول تبدیل می‌گشت. مهمانخانه بر روی اتاق نشیمن و لابی بر روی آشپزخانه احداث می‌گردید. همچنین مهمانخانه معمولاً ۲ درب ورودی و ۲ پنجره داشته است که پنجره‌ها دارای فضای خالی بودند و طاقچه‌ها و شومینه از جمله فضاهای موجود در مهمانخانه‌ها بوده است. (تصویر شماره ۹).



تصویر ۵ و ۶ - مسکن روستایی چمگل در دوره سوم با طراحی حیاط مرکزی و طرح دو طبقه (۵۷-۱۳۴۲)



تصویر ۷ و ۸ - استفاده از مصالح بومی و گچ‌بری‌های مسکن در دوره سوم روستای چمگل (۵۷-۱۳۴۲)



تصویر ۹- پلان مربوط به مسکن روستایی با طرح منزل اعیانی و دوطبقه در روستای چمگل (۵۷-۱۳۴۲)

دوره چهارم) دخالت دولت در روستاها

این دوره مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی و به مدت ۱۱ سال (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ هجری شمسی) می‌باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی و ارائه خدمات از سوی نهادهایی مانند بنیاد مسکن، جهاد سازندگی و فرمانداری به روستاها و همچنین بسط روابط روستانشینان با شهرها و الگوپذیری از این مراکز؛ طرح عمومی منازل مسکونی از حیاط مرکزی به خانه‌های مجتمع تغییر پیدا کرد. به واسطه ارتباطات با دیگر نواحی مسکونی در منطقه همچنین استفاده از خشت محدود و استفاده از گچ و سنگ و تیر آهن فزونی گرفت. ساخت خانه‌هایی با نشیمن ۴ در ۴ در وسط و آشپزخانه ۳ در ۴ در یک سمت و پذیرایی ۳ در ۴ در سمت دیگر رونق پیدا کرد، و پوشش سقف این خانه‌ها از تیر آهن بوده است. (تصاویر شماره ۱۰ و ۱۱). شاید یکی از دلایل عمده این تغییر احساس نیاز به سرمایه‌گذاری و گرمایش توسط وسایل نفت سوز و همچنین جلوگیری از اتلاف حرارت بوده است. همچنین درب و پنجره‌ها نیز از پروفیل‌های آهنی و به صورت شیشه جهت استفاده از نور استفاده می‌شد. در بدنه فضاهای ذکر شده معمولاً طاقچه‌هایی در نظر می‌گرفتند تا برای نگهداری اسباب و اثاثیه مورد استفاده قرار گیرد. در این دوره جهت‌گیری خاصی برای ایجاد منازل مسکونی مد نظر نبوده و بیشتر چیدمان فضایی منازل و جهت‌گیری‌ها بر اساس سایت و مکان مورد استفاده منزل بوده است.



تصویر ۱۰ و ۱۱- مسکن روستایی در چمگل مربوط به دوره چهارم با استفاده از مصالح بلوک و سیمان (۶۸-۱۳۵۷)

دوره پنجم) پایان استفاده از وسایل بومه آورد

این دوره با پایان یافتن جنگ تحمیلی و شروع دوران سازندگی به مدت ۱۲ سال (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۰ هجری شمسی) به طول انجامید. با تعطیلی کارخانه گچ ماشینی در روستای چمگل و ارائه خدمات دولتی استفاده از مصالح بوم‌آورد منسوخ شد و خانه‌ها با مصالحی چون بلوک برای دیوارچینی و تیرچه بلوک جهت پوشش سقف ساخته می‌شدند. پلان منازل به صورت مجتمع ولی به صورت گسترده و با تعداد اتاق‌های بیشتر بوده است. اندازه اطاق مهمانخانه از ۳ در ۴ متر به ۹ در ۴ متر و یا ۶ در ۴ متر افزایش پیدا کرد و کوچه‌های روستا نیز شکل هدفمندتری به خود گرفتند. دیگر دلیل عمده تغییرات در این دوره توجه به عدم کشاورزی به صورت تک محصولی (گندم و جو) بوده است و کشت صیفی جات مانند هندوانه و خربزه باعث تغییر و تحول در اقتصاد مردم روستا گردید. لذا در این دوره شاهد ساخت خانه‌های با کیفیت‌تری نسبت به دوره‌های گذشته بوده‌ایم. (تصویر شماره ۱۲).

به لحاظ چیدمان فضایی و آرایش درون منازل، فضاهای سرویس بهداشتی و حمام از گوشه‌های حیاط به داخل خانه جابجا شده است. تعداد اتاق‌های خواب به ۲ و ۳ اتاق افزایش یافت و فضای هال ماندنی در وسط منزل جهت دسترسی سریع و آسان به دیگر فضاهای مختلف خانه ایجاد شده است و اتاق‌ها اصولاً دارای درب ورودی و خروجی شدند و فضاهای خصوصی در منزل نمود بیشتری پیدا کرد.



تصویر ۱۲- مسکن روستایی در چمگل مربوط به دوره پنجم با طراحی نسبتاً مدرن (۸۰-۱۳۶۸)

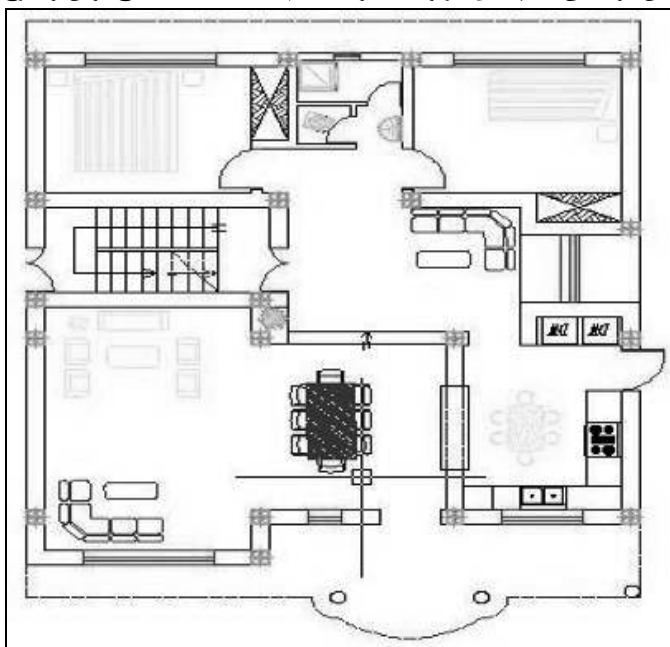
دوره ششم) مقاوم‌سازی و نوسازی مساکن

این دوره که مدت ۱۱ سال (۱۳۹۱ تا ۱۳۸۰ هجری شمسی) می‌باشد، به دلیل آگاهی عمومی و افزایش سطح دانش و همچنین افزایش کشت هندوانه و خربزه توسط روستائیان و اعطای وام‌های نوسازی و مقاوم‌سازی توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شاهد ساخت خانه‌هایی با کیفیت بسیار عالی می‌باشیم. (تصاویر شماره ۱۳ و ۱۴). استقرار دهیاری روستا و همچنین اجرای طرح هادی روستای چمگل و هدایت وضعیت فیزیکی روستا باعث شده است تا روستا کالبدی هدفمند و نظام وار به خود بگیرد. در این دوره به فضاهای مسکونی، راه پله جهت استفاده از طبقه دوم خانه اضافه شد و از مصالحی چون میلگرد و بتن (بتن مسلح) و آجر جهت ساخت خانه‌ها استفاده می‌شود. ساخت منازل توسط ناظر روستایی نظارت می‌شود، ولی نکته‌ای که در این دوره نگران کننده به نظر می‌رسد عدم توجه به محرمیت و درونگرایی خانه‌های ایرانی است که در هیچ از بناهای طراحی شده درون روستا رعایت نشده است.

در این دوره آنگونه که مشاهده می‌شود به فضاهای خانه علاوه بر حمام؛ سرویس بهداشتی نیز اضافه گردید. آشپزخانه‌ها عمدتاً به صورت مدرن و یکپارچه با فضای پذیرایی ارتباط پیدا کرد. راهروهای طولانی و باریک در خانه‌ها به سبب طراحی معماری مدرن حذف گردید. در این دوره به سبب تغییر بنیادی فضاهای درون خانه نگهداری دام و احشام از محیط منزل و حتی درون روستا خارج و دور گردید و ارتباط سکونت و شغل دامداری در منزل حذف گردید. (تصویر شماره ۱۵). آنچه که در این زمان بیشترین تأثیر را بر تحول مساکن روستا برجای گذاشت بالارفتن سطح تولیدات کشاورزی، افزایش درآمدزایی روستائیان و مهم‌تر از همه تنوع طلبی و تقلید از الگوهای مدرن ایرانی در راستای ساخت منازل بوده است.



تصویر ۱۳ و ۱۴- مسکن روستایی در چمگل مربوط به دوره ششم با استفاده از مصالح نوین و طرح مدرن (۹۱-۱۳۸۰)



تصویر ۱۵- پلان و چیدمان درونی مسکن روستایی در دوره ششم بر اساس الگوی مدرن (۹۱-۱۳۸۰)

نتیجه‌گیری

جوامع روستایی به عنوان جزئی از سیستم سکونتگاهی کشور در طی تاریخ همواره با تحولات و دگرگونی‌های اقتصادی-اجتماعی و کالبدی روبه‌رو بوده‌اند، یکی از مهم‌ترین تغییرات در مناطق روستایی تحول در نوع معماری و فضای کالبدی روستاها متناسب با رشد تکنولوژی و بالأخص نیاز جوامع روستایی بوده است. در این راستا طرح، شکل و نحوه ساخت و ساز منازل مسکونی به عنوان اصلی‌ترین نیاز خانوارهای روستایی در گذر زمان دستخوش شدیدترین زیررودشدگی و تحول شده‌اند، به طوری که این بناها از آن شکل ابتدایی و ساده که هماهنگ با وضعیت اقتصادی-فرهنگی روستائینشان بوده، خارج و به شکل مسکنی با هویت و شکل منازل شهری درآمده است. در این تحقیق که به منظور بررسی عوامل مؤثر بر روند تحول مسکن روستایی «چمگل» انجام گرفته بود، با بررسی دوره‌های زمانی مختلف معماری در این روستا این نکته قابل درک است: که به جز دوره‌های زمانی اول و دوم (در نظام مالک-رعیتی) که اصولاً خانه‌ها با استفاده از مصالح بومی و متناسب با بنیه اقتصادی خانوارها ساخته می‌شد، در سایر دوره‌ها خانواده‌ها به نسبت افزایش قدرت اقتصادی و بالارفتن سطح مراودات اجتماعی-فرهنگی با دیگر نواحی اطراف به ساخت خانه‌های بزرگتر و با کیفیت بالا اقدام نموده‌اند. در این راستا تحول و دگرگونی در شیوه معیشت و نوع فعالیت و همچنین افزایش درآمدزایی روستاییان و قدرت خرید خانوارهای مورد مطالعه سبب ساخت منازل با کیفیت و طرح بنای هماهنگ با نواحی شهری شده است. البته افزایش ارتباط روستاییان با شهرهای همجوار به ویژه نورآباد و شیراز در کنار دریافت وام‌های نوسازی مسکن از سوی بنیاد مسکن و دخالت مستقیم دولت در

ساخت بنای با کیفیت و مستحکم در روستا نقش برجسته‌ای را در تحول و توسعه مسکن روستای چمگل ایفا نموده‌اند. به عبارت دیگر در پی تکامل تاریخی و گسترش روستا در گذر زمان که با تحول در رفتار و مناسبات اجتماعی - فرهنگی روستاییان و تغییر محسوس در وضعیت اقتصادی - معیشتی خانوارهای روستایی مورد مطالعه همراه بوده است، نحوه ساخت و ساز و نوع معماری مسکونی روستا نیز از شکل سنتی و در قالب استفاده از مصالح بوم‌آورد به شکل مدرن و هماهنگ با نیاز جامعه روستایی تغییر و توسعه پیدا کرده است. جدول شماره ۲ نشان دهنده جزئیات دوره‌های مختلف معماری روستای چمگل می‌باشد.

جدول ۲- روند تکامل و توسعه معماری مسکونی در روستای چمگل و عوامل مرتبط با این تحول در گذر زمان

دوره	محدوده زمانی	شاخص پلان منازل	مصالح	عملکردهای مختلف	عامل مؤثر
اول	۱۳۱۰	تک اتاقی با قاعده مستطیل کوچک (کپر)	نی، چوب، خار	زندگی خانوار	مصالح بوم آورد
	۱۳۲۵				
دوم	۱۳۲۵	تک اتاقی با قاعده مستطیل بزرگ (کومه)	نی، چوب، خشت	زندگی خانوار نگهداری احشام	مصالح بوم آورد
	۱۳۴۲				
سوم	۱۳۴۲	حیاط مرکزی و تعدد اتاق ها	خشت، چوب، گچ و سنگ	زندگی خانوار مهمانخانه آشپزخانه نگهداری احشام	اصلاحات ارضی تأسیس کارخانه گچ در روستا افزایش قدرت اقتصادی خانوارها
	۱۳۵۷				
چهارم	۱۳۵۷	منازل مجتمع و پلان محدود	گچ، سنگ، تیرآهن	زندگی خانوار مهمانخانه آشپزخانه سرمایش و گرمایش	ارائه خدمات زیربنایی افزایش قدرت اقتصادی خانواده ها
	۱۳۶۸				
پنجم	۱۳۶۸	منازل مجتمع و پلان گسترده	بلوک و تیرچه	زندگی خانوار اتاق مهمان اتاق های خواب مجزا آشپزخانه	ارائه امکانات زیربنایی و رفاهی تغییر شیوه کشت و تولید در روستا افزایش قدرت اقتصادی خانواده ها گسترش ارتباطات
	۱۳۸۰				
ششم	۱۳۸۰	منازل مجتمع با مقاوم سازی و نوسازی	آجر، میلگرد، بتن، تیرچه	زندگی خانوار استفاده از طبقه دوم	ارائه وام نوسازی بنیاد مسکن افزایش قدرت اقتصادی خانواده ها گسترش ارتباطات و تقلید از شیوه‌های زندگی مدرن شهری
	۱۳۹۱				

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۱.

ارائه پیشنهادها

- ارائه الگوی مناسب ساخت و طراحی مسکن برای روستا با توجه به در نظر گرفتن شرایط محیط طبیعی و انسانی روستا
- استفاده از طرح‌ها و مزیت‌های معماری سنتی و بومی در کنار استفاده از فن‌آوری‌های مدرن در طراحی و تکمیل فضاهای درونی و بیرونی مسکن روستا
- رعایت ویژگی‌های خاص زندگی روستایی همچون شیوه معیشت، درآمد روستاییان و فرهنگ حاکم بر روستا در طرح معماری مسکن روستاییان

- ساماندهی نظارت و بازرسی بنیاد مسکن بر طراحی و ساخت مسکن روستا که خارج از ضوابط فنی نباشد
- تدوین سند چشم انداز توسعه روستای چمگل که در آن ضمن تلاش به منظور زیست پذیری و خلق فضای سرزندگی اقتصادی و نشاط اجتماعی درون محیط روستا به بهبود مسکن روستاییان نیز اندیشیده شود
- رعایت حفظ محدوده مسکونی و کشاورزی روستا، به منظور عدم تجاوز به اراضی زراعی و نابودی اقتصاد معیشتی روستا
- بازسازی و طراحی سایت قدیم روستا به گونه‌ای که ضمن حفظ بافت با ارزش روستا به محیطی قابل سکونت برای روستاییان تبدیل گردد.

پی نوشت

- ✓ متأسفانه دوست اندیشمندمان جناب آقای مهندس مرتضی حیدری دعوت حق را لیبیک گفته و بدرود حیات نمودند، که در اینجا یاد و خاطرش را گرامی می‌داریم.
- ✓ این روستا قبل از سال ۱۳۱۰ هـ ش به ویژه در قرن ۶ هـ ق دارای جمعیت پراکنده عشایر به صورت «کپرنشین» بوده است. اما بعد از این تاریخ به دلیل خشکیدن قنات طلع جنوبی روستا، شیوع بیماری‌های همه‌گیر همچون وبا و دیفتری و مهاجرت گروهی اهالی روستا بر اثر درگیری و نزاع‌های قومی - محلی به دیگر آبادی‌های ممسنی؛ تا سال ۱۳۱۰ و تجدید حیات دوباره روستا خالی از سکنه بوده است.

منابع

- استانداری فارس. (۱۳۸۹). آمارنامه کشاورزی شهرستانهای فارس، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه، شیراز.
- بدری، س.ع. و موسوی، س. (۱۳۸۹). تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگیهای مسکن روستایی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیادانان جهان اسلام، زاهدان، صص ۱-۱۴.
- بسحاق، م. صیدائی، س. الف. (۱۳۹۱). تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ازنا)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، صص ۱۱-۱.
- بیٹی، ح. (۱۳۹۱). ارزیابی جایگاه الگوهای بومی در برنامه‌های ساخت و ساز مسکن روستایی؛ مورد: استان آذربایجان شرقی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۹، صص ۱۳۰-۱۱۵.
- حبیب، ف.، گرگانی، الف.، مختاباد امرئی، م. و رحیم بخش، ف. (۱۳۸۹). تحلیل استحاله نشانه‌های سکونتگاهی روستایی «باباپشمان استان لرستان» پس از جابجایی با تأکید بر نشانه‌های مسکن روستایی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۰۲-۱۸۷.
- خاکپور، م. و شیخ مهدی، ع. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۷، صص ۲۴۶-۲۲۹.
- رکن‌الدین افتخاری، ع.، حاجی پور، م. و فتاحی، الف. (۱۳۹۱). بررسی میزان انطباق ساخت و سازهای جدید در نواحی روستایی با معماری بومی و میزان رضایتمندی روستایی: نمونه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۳۱، شماره ۱۳۹، صص ۸۵-۹۹.
- رضوانی، م. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، انتشارات قومس، چاپ اول، تهران.
- زرگر، الف. (۱۳۸۶). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ چهارم، تهران.
- سرتیپی پور، م. (۱۳۸۶). «معماری مسکن در روستاهای ایران»، فصلنامه مسکن و انقلاب، سال ۲۶، شماره ۱۱۹، صص ۱۶-۲.
- سرتیپی پور، م. (۱۳۸۸). آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، تهران.
- شمس‌الدینی، ع. (۱۳۸۷). «جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی- فضایی روستاها از محیطهای شهری»، فصلنامه مسکن و انقلاب، سال ۲۷، شماره ۱۲۴، صص ۵۱-۴۰.
- شمس‌الدینی، ع. و رستمی، ر. (۱۳۹۰). تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستاییان، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ممسنی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۳۰، شماره ۱۳۵، صص ۷۱-۵۷.
- علی‌الحسابی، م. و نگارش، ن. (۱۳۸۹). تجلی فضای جمعی در سکونتگاههای روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۲۹، شماره ۱۳۳، صص ۳۹-۲۹.
- عنابستانی، ع.، شایان، ح. و بنیادداشت، الف. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمئی)، مجله برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره ۳، صص ۸۰-۶۳.
- غفاری، ر. و مدبر، م. (۱۳۸۷). مونوگرافی مسکن و معماری روستای یاسه چاه، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۲۲، صص ۵۱-۴۲.

- فاتح، م. و داریوش، ب. (۱۳۸۹). معماری روستایی ۱ و ۲، انتشارات علم دانش، تهران.
- لطفی، ح. و احمدی، ع. (۱۳۸۸). «شاخص‌ها و مؤلفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران»، فصلنامه آمایش محیط، سال ۲، شماره ۷، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور، تهران.
- نورنبرگ شولتز، ک. (۱۳۸۴). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه: امیر یاراحمدی، نشر آگاه، چاپ اول، تهران.
- Yagi, K., (1987), A Japanese Touch for Your Home, Codansha International Co.
- Rangwala, S.C., (1998), Town Planning, Charatar Publishing House, India.
- Gallent, N., (2009), "ousing Rural", Journal of International Encyclopedia of Human Geography, Vol. 7, pp. 207-212.